

تئاتر مترادف است، حرف کاملاً درستی است. این نمایانگر حرفی جز این نیست که من به مقوله هنرپیشگی بجز این دیدگاه طوری دیگری نگاه نکرده‌ام. هر شخصی که به دنیای بازیگری وارد می‌شود چند دلیل برای خود دارد؛ اول اینکه قصد معروف شدن دارد و یا به مقامی یا ... دست پیدا کند. برای اولین باری که من بعنوان یک هنرپیشه پای قرارداد رفتم تا همین حالا که آخرین نمایشم را بازی می‌کنم، هیچ درآمد ثابتی از تئاتر نداشتم. بعضی مواقع حتی برای آمدن به سرترین متحاج پول توجیبی پدر و مادرم بودم.

اولین باری که در تئاتر بامن قرار داد بستند - هر چند مبلغ زیادی بود - اما نه به این دلیل، بلکه صرفاً به دلیل عشق و علاقه به این هنر بود که این کار را ادامه دادیم. در نمایشهایی که کار می‌کردیم دکور و لباس را هم از جیب خود خریداری می‌کردیم. در آن زمان صحنه آرا و یاد کوراتوری وجود نداشت و همه کارهای آنها برعهده گزوه بود. اما پایین وجود توفیق خوبی داشتیم و رضایت تماشاچی جلب می‌شد.

افرادی که در این گروه کار می‌کنند، هیچ مالی از این راه نیاندوخته‌اند. انگیزه اصلی آنها اعتقاد به هنر تئاتر بعنوان هنری اصیل و ارائه خدمتی کوچک به جامعه هنری بوده و هست. در مقابل تئاتر، سینما یک شوخی است. هنوز احساس روبرو شدن با تماشاگر و نفس به نفس شدن با او برایم لذتبخش است.

درباره سکوت من، این تنها من نبودم که سکوت کردم، بلکه تئاتر بود که سکوت کرد. بارها به ما گفته‌اند چرا کار تئاتر نمی‌کنید؟ جواب من برای این سوال این است که تئاتر فردی وجود ندارد، بلکه در گروه است که تئاتر شکل و جان می‌گیرد. با همکاری من تنها تئاتر زنده نخواهد شد. تمام دوستانم همین عقیده را دارند. تنها بخاطر سکوت تئاتر است که ما مجبور می‌شویم سکوت کنیم. فاصله بین اجرای نمایش‌های خوب بسیار طولانی شده است. تئاترهای ما توسط افراد آماتور قبضه شده است. حرفه ای‌ها به سالن‌های مجهز تئاتر راهی ندارند.

درباره نمایش بینوایان شایعاتی رواج یافته است و این در حالی است که هنوز نمایش به روی صحنه نیامده است. فکر می‌کنید بینوایان علاوه بر اینکه می‌تواند نسل گذشته بازیگر را به نسل جدید معرفی کند، چه اقدام دیگری صورت داده است؟

حقیقت این است که ما هنگامی که شروع به کار کردیم هفته نامه سینما ویدیو، نوشت: «چرا پولهای ۶۰ یا ۷۰ میلیونی را که به افرادی همچون فتحی، فراهانی و... می‌دهند، جهت راه اندازی گروه‌های نوپا هزینه نمی‌کنند؟ این حرف نشان از بی‌خبری این افراد دارد. این افراد خبر از قضایا ندارند. اگر هم خبری دارند، متعلق به خودشان است. این حرف مثل این است که بگوئیم استادی که قصد دارد داروی یک بیماری را پیدا کند و برای کار خود بودجه ای در دست دارد و دکترهای جوانی که در پیرامون این استاد دانشگاه کار می‌کنند، این بودجه به گدایان و محتاجان شهر اختصاصی یابد. اینها موضوعات جدا از هم هستند که هیچ ربطی به همدیگر ندارند. اگر این گروه آماتور بخواهد آموزش ببیند، یکی از کارهایی که باید بکنند، دیدن این نمایش است.

کتاب «کار هنرپیشه روی خود» هنوز به دانشگاه‌های هنری این کشور راه پیدا نکرده است در حالی که این کتاب در باب بازیگری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بازیگران جوان باید زحمت بکشند، خون دل بخورند تا به صحنه راه پیدا کنند.

زمانی در دانشگاه، دانشجویان نمایشهایی را به روی صحنه می‌بردند. هنگامی که از استادی درباره این آثار سوال شد، گفت: «اینها تئاتر نیستند».

هنرجویان یک گروه باید باهمدیگر کار کنند و باشیوه کار همدیگر آشنا شوند. اما عدم این مساله در جامعه تئاتری ماموجب شده که بین به روی صحنه رفتن دو نمایش خوب، سالها فاصله می‌افتد. ما سر تعظیم در مقابل تمام اساتید و کسانی که در تئاتر کار و فعالیت می‌کنند فرود می‌آوریم. اما دستهای پنهان و آدمهایی وجود دارند که نمی‌خواهند جریان درست تئاتری در این کشور اتفاق بیافتد. بنابراین ما هم برای این که کار دیگری از دستمان بر نمی‌آید، مهاجور

تکمی درباره تئاتر امروز و حضور شما در این مقوله بگوئید و همینطور مشکلات تئاتر در این دیار؟

تئاتری که امروزه وجود دارد از نظر من مقوله بسیار جدی است. تئاتر برای من در ساختمان و یا امکانات فیزیکی آن خلاصه نمی‌شود. در ابتدای کار خود تنها به فکر این مساله بودیم که خوب بازی کنیم ولی برای این خوب بازی کردن باید چه تعالیمی را ببینیم و یا چه زحماتی را بکشیم؟ مساله بعدی الگوهای تقلید مامهمکی آرتیست‌های سینما بودند. ما توجه به این مساله نداشتیم که هنرپیشه مذکور چه زحماتی را متحمل شده تا به این درجه از مهارت در کار خود برسد. بعدها هنگامی که خودمان خواستیم به یک سیستم بازیگری مجهز شویم و تمام عناصری که در خلاقیت یک بازیگر دخالت دارد را بشناسیم، بطور جدی به فکر مقوله بازیگری افتادیم. هر چند در ابتدا دیدن بازی مرحیوم تفکری برایمان جالب بود اما بعدها دریافت چگونگی مهارت بازی او برایمان مهمتر بود.

اینجا کنکاش‌هایی بود که برای ما لازم بود تا بتوانیم نوع دیگری از بازی را ارائه بدهیم که از قبلی‌ها به مراتب شیوه‌ای دشوارتر و علمی‌تری است. در تئاتر آناهیتا وقتی از ما پرسیدند: «چرا می‌خواهید هنرپیشه شوید؟» من در جواب نوشتم: «من اصلاً نمی‌خواستم هنرپیشه شوم. اما یک نفر به من گفت تو می‌توانی هنرپیشه شوی و من به اینجا مراجعه کردم». بهر جهت در آنجا ماندگار شدیم و به کار خود ادامه دادیم. در این راه مسیر دشواری را طی کردیم و مسائل و مصائب زیادی را پشت سر گذاشتیم تا دیگران بتوانند میل و رغبتی به این کار پیدا کنند. این مساله درباره سایر هنرمندان هم صدق می‌کند. هنرمندانی که در این نمایش کار می‌کنند، اشخاصی هستند که مورد اعتماد کارگردان نمی‌باشند. ما همواره خواستار کار خوب و عالی هستیم. شخص بازی خود را با تمام جزوه و وجودی خود روی صحنه زنده کنیم و خواستار ارائه بهترین شکل و شیوه نقش باشیم. در مورد مشکلات کنونی تئاتر بحث دیگری است که به فرصت دیگری نیاز دارد.

تکیرای مهدی فتحی - یعنی بخشی از پیکره تئاتر ایران - چرا بعد از این همه سکوت با نمایش بینوایان شروع کردید؟ آیا پیش از این تئاتری به شما پیشنهاد نشد و یا دلیل دیگری داشت؟ و اینکه این همه سکوت را چگونه تحمل کردید؟

اگر خودپسندی نباشد حرف اول شما به این مضمون که اسم فتحی با

می مانیم. کار در این عرصه زیاد است اما دسته ای مثل دسته مامل جا دارای تربیت خصوصی هستیم. نگاه و شیوه ما به موضوع تئاتر، نگاه بخصوصی است و در هر جایی نمی توانیم کارکنیم. خیلی جاها به ما بفرما می زنند. به ما نقش های متفاوتی پیشنهاد می شود، با مزایا و حقوق ویژه. اما نمی توانیم تن به هر کاری بدهیم. اگر نمایشی مثل بینوایان کار شود، همه می آئیم.

❑ شما در بینوایان چه نقشی را بازی می کنید؟

❑ من نقش ژان والژان را بازی می کنم.

❑ آیا بغیر از شما کسی دیگری هم این نقش را بازی می کند؟

❑ خیر!

❑ فتنی «ساتین» در نمایش «در اعماق» هیچگاه از یاد نسل ما نمی رود. آیا ما فتنی را در این نمایش، آیا فتنی را با همان سیستم بازی خواهیم دید یا نه؟

❑ تقریباً همه ما که در این نمایش بازی می کنیم، اعتقاد به داشتن احساس و باور روابط هستیم. اما اینکه این همان روش استانیسلاوسکی است، باید بگویم آنجا مسأله مدون تر شده است. کتاب او مانند راهنمای هنرپیشه عمل می کند که همیشه می تواند به آن مراجعه کند و چیزهایی را که از یاد برده را یادآوری کند. تمام سعی ما این است که مانند انسان زنده عمل کنیم، انسانی که در نمایشی موجودیت می یابد و دارای زندگی صحنه ای است.

❑ با توجه به اینکه سابقه کار آقای غریب پور در به روی صحنه بردن نمایش عروسکی است تا شیوه دیگر، شما چطور حاضر شدید باین کارگردان که عمده فعالیتش در زمینه تئاتر کودکان است، کار کنید؟

❑ راستش اینکه نمایشنامه بینوایان و نقش ژان والژان جذبه خاصی برایم داشت. در طول تمرین همه متوجه شدیم که آقای غریب پور به طور اساسی روی نمایش کار کرده است. او موافق کار دوزخانی نبود، بلکه معتقد بود نقش را حفظ و سپس روی صحنه ببریم. این تجربه ای بود که ما آن را کسب کردیم و تا حالا چون کار دیگری بجز نمایشهای عروسکی از ایشان ندیدم، حدس می زنم که بشود با ایشان به راحتی کار کرد. ❑ از اجراها، فیلم ها و سریال هایی که از بینوایان دیده اید، کدام بازیگر نقش ژان والژان را بیشتر می پسندید؟

❑ در نمایش هایی که درباره بینوایان

دیدم، هیچکدام را نپسندیدم. اعتقاد دارم بهترین ژان والژان در نمایش بینوایان، ژاور و ژان والژان خود ماست. در نسخه های سینمایی بینوایان، از بازی «لینوونتورا» و «هاری بور» در دو نسخه متفاوت بینوایان بیشتر از بقیه خوشم آمد. بینوایان ما هم به نظرم نمایش خوبی از آب در آمده است.

❑ آیا بینوایانی که خواهیم دید، بینوایان ویکتور هوگو است؟

❑ بینوایان ویکتور هوگو را خواهید دید. البته در مقایسه بین رمان و نمایشنامه مواردی وجود دارد. درست است که پرش هایی در نمایش وجود دارد که در رمان نیست، تعویض صحنه ها سریع انجام می شود و شخصیت ها نیز خیلی زود معرفی و مطرح می شوند، اما با اینکه سعی شده به روح کلی اثر لطمه ای نخورد. بعضی قسمتها به ضرورت نمی تواند در نمایش وجود داشته باشد. اما با همه این احوال نمایش روند کلی رمان را طی کرده است. جالا به قدرت بازیگر بستگی دارد که این روند را به طور صحیح پیش ببرد.

❑ کدام قسمت از کار پرآیتان جذاب تر است؟

❑ از لباسهای نقش خودم بسیار خوشم می آید. این لباس به من احساس ویژه ای دست می دهد. صحنه های نمایش را دوست دارم از جمله صحنه های

برخورد با فانتین، پرستار، قهوه خانه تنارده و ...

❑ فتنی روی صحنه و هنگامی که در میان یاران قدیمی قرار می گیرد، حس و حال ویژه ای دارد و بفرمائید آیا مخاطب می تواند حس و حال ویژه نمایش را پیدا کند یا نه؟

❑ گروه ما در حال شکل گیری است و در نهایت بسوی پیش می رود که شکل نهایی خود را بیابد. این گروه با این تفصیل می تواند همیشه با هم کار کند. به نظر گروه بسیار منسجمی است. آرزو مند هستیم که این گروه کار خود را بخوبی انجام بدهد.

❑ با توجه به اینکه شما سالها تئاتر کار نکردید، آیا این هراس زاندارید که توان انجام کار خود را تا انتهای نمایش نداشته باشید؟

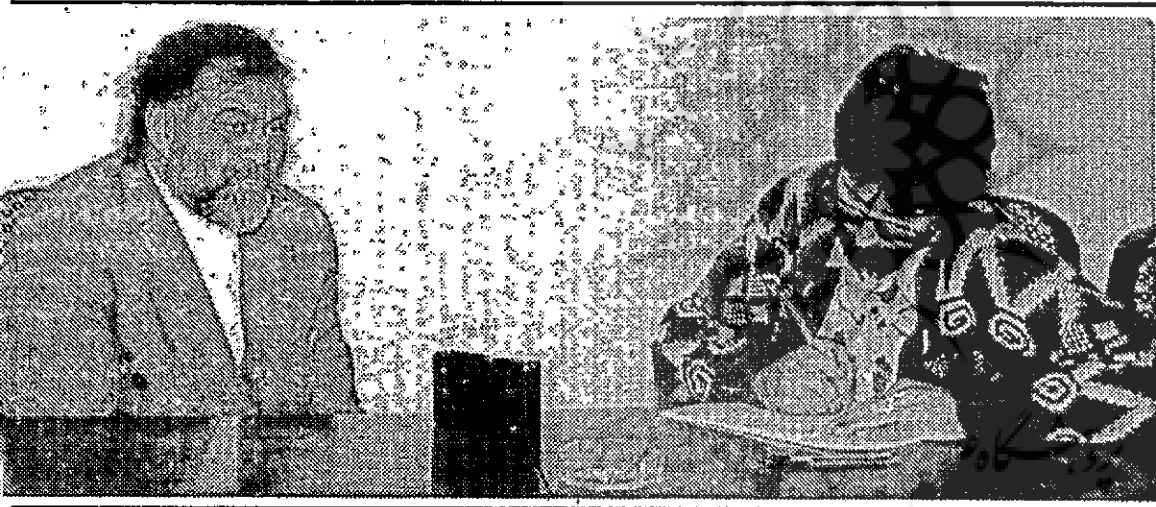
❑ در این مدت، آیا با همان پتانسیلی که ساتین را بازی می کردید این نقش را بازی می کنید؟

❑ البته آن نقش دیگری بود و خواه ناخواه آزادی جسمانی آن شخصیت در ژان والژان نیست. منش و کلیه اعمال و رفتار این شخصیت با نمایش در اعماق که به آن اشاره کردید، فرق دارد.

❑ یکی از رکنهای اساسی تئاتر مخاطب است. با توجه به نوع سلیقه تماشاگر که تا امروز شکل یافته است، فکر می کنید بینوایان با این تماشاگر چقدر ارتباط برقرار می کند؟

این مسأله مربوط به خود نمایش می شود. اگر نمایش نسبت به کاری که می کند باور داشته باشد، حتماً موفق خواهد شد.

❑ آیا بعد از بینوایان شما تئاتر را ادامه خواهید داد؟



❑ البته. اگر این گروه به همین شکل باشد و به فعالیت خود ادامه بدهد، همه مایل هستیم که تئاتر کارکنیم. سینما هیچ کاری برای ما نکرده است. هر چند معتقدم ما خدمات زیادی برای آنها انجام داده ایم.

❑ با توجه به اینکه در نقدهای تئاتر ایران بجای اصول درست و منطقی نقد، حب و بغض و تسویه حسابهای شخصی وجود دارد، اگر بعد از اجرای نمایش شما نقدی بخوانید مبنی بر اینکه بازی شما را نپذیرفته باشد، چه عکس العملی از خودشان می دهید؟

❑ پیش از این هم جاهایی درباره خودم مطالبی نوشته شده است. همیشه منصفانه فکر کرده ام که آیا این نوشته درست است یا فقط برای پرکردن صفحه روزنامه به روی کاغذ آمده است. شخصاً هیچ هراسی از هیچ نقد و منتقدی ندارم و خوشحال می شوم نقاط ضعف هایم را کسی برایم تشریح کند.

❑ از شما متشکرم.

❑ من هم همینطور.